

پیش بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف پذیری شناختی با میانجی گری تحمل پریشانی در زنان
متقاضی طلاق

Predicting of desire for divorce based on cognitive flexibility with mediation of distress tolerance in women applicant divorce

Zahra Arjomandkia

M.A. Student of Clinical Psychology, Ar.c., Islamic Azad Univrsity, Arak, Iran.

Abed Majidi *

Assistant Professor of Counseling, Faculty of Humanities, Sayyed Jamaledin Asadabadi University, Asadabad, Hamedan, Iran.

Abed.majidi@siau.ac.ir

زهرا ارجمندکیا

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

عابد مجیدی (نویسنده مسئول)

استادیار مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سید جمال الدین اسدآبادی، اسدآباد، همدان، ایران.

Abstract

The present study aimed to predict the desire for divorce based on cognitive flexibility mediated by distress tolerance in women applicant divorce. The present study method was descriptive-correlational structural equation modeling. The statistical population included women applicant divorce referring to counseling centers in Arak in the spring of 2025, from which 250 people were selected as samples using purposive sampling. Data were collected using Rusbult et al's Divorce Tendency Scale (DTS, 1986), Simons & Gaher's Distress Tolerance Scale (DTS, 2005), and Dennis & Vander Wal's Cognitive Flexibility Inventory (CFI, 2010). The obtained data were analyzed using structural equation modeling. Based on the research findings, the proposed model had a good fit. The results showed that there is a negative and significant relationship between cognitive flexibility and distress tolerance with the desire for divorce ($P < 0.01$). It was also determined that distress tolerance has a mediating role in the relationship between cognitive flexibility and the desire for divorce ($P < 0.01$). Therefore, it is suggested that cognitive flexibility and distress tolerance be examined and evaluated in the implementation of divorce prevention programs.

Keywords: Cognitive Flexibility, Distress Tolerance, Desire for Divorce, Divorce Applicant.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی با میانجی‌گری تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اراک در بهار سال ۱۴۰۴ بود که از بین آنها ۲۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های میل به طلاق روزبولت و همکاران (۱۹۸۶)، DTS، تحمل پریشانی سیمونز و گاهر (۲۰۰۵، DTS) و انعطاف‌پذیری شناختی دنیس و واندروال (۲۰۱۰، CFI) جمع‌آوری گردید. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از آزمون مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بر اساس یافته‌های پژوهش مدل پیشنهادی از برآزش مطلوبی برخوردار بود. نتایج نشان داد که بین انعطاف‌پذیری شناختی و تحمل پریشانی با میل به طلاق رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین مشخص گردید تحمل پریشانی در ارتباط بین انعطاف‌پذیری شناختی و میل به طلاق نقش واسطه‌ای داشت ($P < 0/01$). بنابراین پیشنهاد می‌شود در اجرای برنامه‌های پیشگیری از طلاق به بررسی و ارزیابی انعطاف‌پذیری شناختی و تحمل پریشانی پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: انعطاف‌پذیری شناختی، تحمل پریشانی، میل به طلاق، متقاضی طلاق.

ویرایش نهایی: فروردین ۱۴۰۵

پذیرش: مهر ۱۴۰۴

دریافت: مهر ۱۴۰۴

نوع مقاله: پژوهشی

خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی است و از ارکان اصلی جامعه محسوب می‌شود (خوشبخت و همکاران، ۱۴۰۳). یکی از عوامل منفی و مؤثر بر سلامت نهاد خانواده، طلاق است (دانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). طلاق را می‌توان شیوه‌ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی دانست (فیروزجائیان گلوگاه و همکاران، ۱۳۹۷). سازمان ثبت‌احوال ایران آمار طلاق در سال ۱۳۹۹ را ۱۷۱،۲۴۶ ثبت کرده است. همچنین طبق آمار رسمی در ایران، از هر هزار ازدواج حدود دویست ازدواج به طلاق منجر می‌شود و ایران چهارمین کشور جهان از نظر نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است (پاداش و همکاران، ۱۳۹۹). قبل از طلاق، میل به آن در فرد رخ می‌دهد. نگرش به طلاق عبارت است از میزان تمایل و علاقه‌مندی زوجین به جدا شدن و گسستن روابط زناشویی (قربانی و همکاران، ۱۴۰۳). این پدیده دارای جنبه‌های متفاوتی است؛ نخست آنکه یک پدیده روانی بوده و بر تعادل روانی نه‌تنها دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنها اثر می‌گذارد (کاکلیان و همکاران، ۱۴۰۲). دوم، پدیده‌های اقتصادی است، چراکه به گسست خانواده به‌عنوان یک واحد اجتماعی می‌انجامد، و یک پدیده اجتماعی است؛ به این معنا که علل و زمینه‌های اجتماعی موجود و ساختار جامعه می‌تواند سبب از هم گسستگی خانواده شود (محمودزاده مرقی و همکاران، ۱۴۰۰). تحقیقات نشان داده است که در مقایسه با بزرگسالانی که طلاق نگرفته‌اند، افراد مطلقه بیشتر به خدمات مراقبت‌های اولیه نیاز دارند و معمولاً مشکلات و شکایاتی را در مورد سلامت روانی و جسمی خود گزارش می‌دهند که به هم مرتبط هستند. بر این اساس، طلاق با هزینه‌های قابل توجه بهداشتی و اجتماعی مرتبط دانسته شده است (پلون-الکسپورو^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). در این بین، زنان در مقایسه با مردان، سطوح بیشتری از سردرگمی و افسردگی، تنهایی، کسالت، استرس و ناامنی را نشان می‌دهند (ساریکول^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین بررسی عوامل مؤثر بر میل به طلاق در زنان از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر میل به طلاق، انعطاف‌پذیری شناختی^۴ است (تنهایی نوغابی و همکاران، ۱۴۰۰). انعطاف‌پذیری شناختی توانایی جابجایی بین چندین وظیفه یا مجموعه‌های ذهنی (تغییر مجموعه)، انجام یک سری وظایف به‌صورت متوالی با متوقف کردن وظیفه فعلی و رفتن به وظیفه بعدی (تغییر وظیفه)، تغییر دیدگاه‌ها با فعال کردن یا مهار گزینه‌های مختلف، و حل مشکلات پیچیده است. همچنین شامل تفکر خلاق، برنامه‌ریزی عملی، انجام چند کار هم‌زمان، دست‌بندی و استفاده انعطاف‌پذیر از زبان می‌شود (کوربو^۵ و همکاران، ۲۰۲۴). انعطاف‌پذیری شناختی فرد را قادر می‌سازد که در برابر فشارها، چالش‌ها و سایر مسائل عاطفی و اجتماعی برخورد مناسب و کارآمد داشته باشد. این توانایی به افراد اجازه می‌دهد تا به سرعت با موقعیت‌های جدید سازگار شوند، دیدگاه‌های متفاوتی را اتخاذ کنند و با موقعیت‌های چالش‌برانگیز یا پیچیده کنار بیایند. همچنین به افراد این امکان را می‌دهد که با ایجاد تعادل بهتر هنگام مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا و عدم قطعیت، به نتایج موفقیت‌آمیزی در زندگی شخصی خود دست یابند (ایشیک و تورهان^۶، ۲۰۲۵). نتایج پژوهش خزائی و بابایی (۲۰۲۲) نشان داد که بین میل به طلاق با انعطاف‌پذیری شناختی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. وطن خواه و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان دادند که طلاق عاطفی بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی پیش‌بینی می‌شود. همچنین تنهایی نوغابی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که انعطاف‌پذیری شناختی با گرایش به طلاق رابطه منفی دارد.

با توجه به آنچه در خصوص رابطه و تأثیر انعطاف‌پذیری شناختی بر میل به طلاق بیان شد، این سؤال به ذهن می‌رسد که چه مکانیزم‌هایی می‌تواند در تداوم یا تعدیل تأثیرات این متغیر، نقش مهم و کلیدی به‌عنوان واسطه‌ای داشته باشد که باید مورد بررسی قرار بگیرد؟ در این راستا پژوهش‌ها مؤید اثرگذاری متغیر تحمل پریشانی (احمدی کانی گلزار و همکاران، ۱۴۰۲) است. تحمل پریشانی به‌عنوان توانایی فرد در تحمل حالات عاطفی منفی و/یا ناراحت‌کننده تعریف می‌شود (لاس^۷ و همکاران، ۲۰۲۳). این شامل انتظارات و ارزیابی‌های فرد از تجربه حالات عاطفی منفی در چهار حوزه است: (۱) تحمل و تنفر، (۲) ارزیابی و مقبولیت، (۳) تمایل به جذب توجه و اختلال در عملکرد، و (۴) تنظیم احساسات (گارتر و کلیمان^۸، ۲۰۲۵). در موارد حساس، اگر زوجین نتوانند هیجان منفی خود را کاهش دهند، تمام

1. Dong
2. Pellón-Elexpuru
3. Sarikol
4. Cognitive flexibility
5. Corbo
6. Isik & Turhan
7. Lass
8. Garner & Kleiman

توجه آنها به موضوع یا احساس نگران‌کننده جلب می‌شود و عملکرد آنها به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌یابد (ساندل فرناندز^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر نقش تحمل پریشانی در زندگی زناشویی، تحمل پریشانی یکی از توانایی‌ها و مهارت‌هایی است که می‌تواند به زوجین در افزایش سازگاری و حل مشکلات کمک کند (زراخ و گوردون-شالی^۲، ۲۰۲۳). نتیجه پژوهش رئوف^۳ و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد رابطه منفی و معنی‌داری بین تحمل پریشانی و رضایت زناشویی وجود دارد. اسماعیل نژاد و مزرعه (۱۴۰۴) نشان دادند که تحمل پریشانی و انعطاف‌پذیری شناختی باهم رابطه دارند. ارشدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود عدم تحمل پریشانی را یک عامل مهم در شدت تعارضات زناشویی معرفی کردند. محمودپور و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تحمل پریشانی بر گرایش به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر مستقیم دارد. رضاپورمیر صالح و اسماعیل بیگی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که متغیر انعطاف‌پذیری شناختی علاوه بر اینکه می‌تواند به‌طور مستقیم بر تحمل پریشانی تأثیر بگذارد، می‌تواند با اثرگذاری بر جهت‌گیری منفی به مشکل، تحمل پریشانی افراد را تحت تأثیر قرار دهد.

در مجموع، طلاق نه‌تنها بر زندگی فردی و روانی زنان تأثیر می‌گذارد، بلکه آثار اجتماعی و خانوادگی گسترده‌ای نیز به همراه دارد. درک عوامل روان‌شناختی مؤثر بر میل به طلاق، به‌ویژه انعطاف‌پذیری شناختی که توانایی فرد در پذیرش تجربه‌های دشوار و ادامه عملکرد سازگارانه در شرایط پراسترس را نشان می‌دهد، می‌تواند به طراحی مداخلات پیشگیرانه و مشاوره‌ای هدفمند کمک کند. علاوه بر این، نقش میانجی‌گری تحمل پریشانی، که ظرفیت فرد برای مدیریت هیجانات منفی و فشارهای روانی را نشان می‌دهد، می‌تواند مسیرهای اثرگذاری انعطاف‌پذیری شناختی بر تصمیم به طلاق را روشن سازد. بررسی این روابط، علاوه بر افزایش فهم علمی از فرآیندهای شناختی مرتبط با تصمیمات زناشویی، امکان ارائه راهکارهای درمانی و آموزشی برای کاهش تنش‌های روانی و بهبود کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق را فراهم می‌آورد. با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی با میانجی‌گری تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق انجام پذیرفت.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در بهار ۱۴۰۴ در شهر اراک بود. حداقل حجم نمونه لازم برای گردآوری داده‌های مربوط برای مدل‌یابی معادلات ساختاری ۲۰۰ نفر می‌باشد (کلاین^۴، ۲۰۱۱). با محاسبه بیش‌برآورد به دلیل پیش‌بینی ریزش شرکت‌کنندگان، نهایتاً ۲۵۰ نفر با استفاده از روش هدفمند انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش شامل: جنسیت زن، زنان باید در مرحله‌ای از فرآیند قانونی طلاق باشند یا در شرف اقدام برای آن باشند، حداقل یک سال زندگی مشترک، رضایت آگاهانه و ملاک‌های خروج شامل مخدوش بودن پرسشنامه‌ها و عدم تمایل شرکت‌کننده به ادامه‌ی شرکت در پژوهش بود. اجرای پژوهش پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذی‌صلاح و هماهنگی با یکی از مراکز مشاوره شهر اراک در بهار ۱۴۰۴ انجام شد. ابتدا پژوهشگر با حضور در مراکز مشاوره و توضیح هدف کلی پژوهش، از زنان متقاضی طلاق که واجد ملاک‌های ورود بودند دعوت به همکاری کرد. پس از جلب رضایت آگاهانه، پرسشنامه‌ها به‌صورت حضوری و در محیطی آرام و امن در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. پژوهشگر پیش از اجرای پرسشنامه‌ها، دستورالعمل مربوط به پاسخ‌دهی را به‌صورت شفاهی توضیح داد و تأکید کرد که پاسخ‌ها بدون قضاوت و صرفاً برای اهداف علمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. زمان لازم برای تکمیل ابزارها حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود و در طول فرایند، پژوهشگر در محل حضور داشت تا در صورت بروز ابهام، توضیحات لازم را ارائه دهد. داده‌ها پس از جمع‌آوری، بررسی و کدگذاری شدند و پرسشنامه‌های ناقص یا مخدوش از تحلیل نهایی حذف گردیدند. در تمام مراحل انجام پژوهش، ملاحظات اخلاقی به‌دقت رعایت شد. شرکت در مطالعه کاملاً داوطلبانه بود و هیچ‌گونه اجبار یا پاداشی برای مشارکت وجود نداشت. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات شخصی آنان محرمانه باقی می‌ماند و نتایج صرفاً به‌صورت کلی و گروهی گزارش خواهد شد. همچنین، برای حفظ حقوق روانی مشارکت‌کنندگان، در صورت بروز ناراحتی هیجانی هنگام پاسخ‌گویی، فرد می‌توانست در هر مرحله از ادامه همکاری انصراف دهد. رعایت اصول اخلاق در پژوهش مطابق با دستورالعمل‌های انجمن روان‌شناسی ایران صورت گرفت.

1. Sandel-Fernandez
 2. Zerach & Gordon-Shalev
 3. Rauf
 4. Kline

درنهایت، داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۱۸ تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار سنجش

مقیاس میل به طلاق (DTS):^۱ این مقیاس در سال ۱۹۸۶ توسط روزبولت^۲ و همکاران طراحی شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد. این مقیاس یک ابزار ۲۸ گویه‌ای برای ارزیابی زوجین مستعد طلاق است، که دارای ۴ بعد بوده و هر بعد ۷ سؤال را دربر می‌گیرد. ۷ سؤال برای بعد خارج شدن؛ ۷ سؤال برای بعد ابراز؛ ۷ سؤال برای بعد وفاداری؛ و ۷ سؤال برای بعد مسامحه می‌باشد. شیوه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت ۷ نقطه‌ای (۱=هرگز تا ۷=همیشه) می‌باشد. پایایی پرسشنامه در پژوهش روزبولت و همکاران (۱۹۸۶) به روش آلفای کرونباخ برای بعد خارج شدن (متماثل به طلاق) (۰/۹۱)، بعد ابراز (۰/۷۶)، بعد وفاداری (۰/۶۳) و بعد مسامحه (۰/۸۶) به دست آمد. همچنین روایی همگرا و تمیزی پرسشنامه از طریق بررسی همبستگی بین نمرات حاصل از این پرسشنامه با درجه‌بندی دومقوله‌ای و چندمقوله‌ای با فاصله زمانی بررسی شده است. بر اساس شواهد ارائه‌شده، بین نمرات حاصل از پرسشنامه با درجه‌بندی با فاصله زمانی در حوزه میل به طلاق بین ۰/۱۸- تا ۰/۲۵+ در نوسان گزارش شده است. در پژوهش داودی و همکاران (۱۳۹۴) روایی محتوایی پرسشنامه مذکور توسط پنج نفر از متخصصین روانشناسی و مشاوره بررسی و مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ گزارش شد. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها نیز برای بعد خارج شدن (متماثل به طلاق) (۰/۸۹)، بعد ابراز (۰/۹۰)، بعد وفاداری (۰/۸۶) و بعد مسامحه (۰/۷۲) به دست آمد. در این پژوهش کرونباخ برای مؤلفه تماثل به طلاق ۰/۸۰ و برای مؤلفه تماثل به مسامحه ۰/۸۸ و مقیاس کل ۰/۹۲ محاسبه شد.

مقیاس تحمل پریشانی (DTS):^۳ یک شاخص خودسنجی تحمل پریشانی هیجانی است که توسط سیمونز و گاهر^۴ (۲۰۰۵) تهیه شده است. این مقیاس دارای ۱۵ گویه است. پاسخگویی به گویه‌های مقیاس به صورت پنج گزینه‌ای طیف لیکرت (کاملاً موافق=۱ تا کاملاً مخالف=۵) درجه‌بندی شده است. در این مقیاس، نمره بالا نشانگر تحمل پریشانی بالاست. سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) روایی هم‌زمان مقیاس را با مقیاس پریشانی عاطفی برابر با ۰/۵۹- و ضرایب آلفای کل مقیاس را ۰/۸۲ گزارش کردند. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌آزمون‌های تحمل، ارزیابی، جذب و تنظیم را به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۶، ۰/۷۴ و ۰/۸۷ به دست آوردند (سیمونز و گاهر، ۲۰۰۵). شمس و همکاران (۱۳۸۹) شاخص همسانی درونی و ضرایب همبستگی مقیاس را با مقابله مسأله‌مدار و هیجان‌مدار به ترتیب ۰/۲۱ و ۰/۲۲- به‌عنوان روایی همگرا گزارش نموده‌اند. همچنین آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۶۷ و پایایی بازآزمایی آن را در بازه زمانی دو ماهه ۰/۷۹ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی این ابزار با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۷۳ به دست آمد.

سیاهه انعطاف‌پذیری شناختی (CFI):^۵ این سیاهه توسط دنیس و واندروال^۶ در سال ۲۰۱۰ ساخته شده است. مقیاس با ۲۰ عبارت برای سنجش نوعی از انعطاف‌پذیری شناختی که در موفقیت فرد برای چالش و جایگزینی افکار ناکارآمد با افکار کارآمدتر لازم است، مقیاس انعطاف‌پذیری به کار می‌رود. شیوه نمره‌گذاری آن بر اساس یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت (از ۱=کاملاً مخالف تا ۷=کاملاً موافق) می‌باشد. بالاترین نمره‌ای که فرد در مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی می‌تواند کسب نماید ۱۴۰ و پایین‌ترین نمره ۲۰ می‌باشد. نمره بالاتر نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری شناختی بیشتر و نمره پایین و نزدیک به ۲۰ نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری شناختی پایین می‌باشد. این ابزار ۲ زیرمقیاس پردازش حل مسئله و ادراک کنترل‌پذیری را اندازه‌گیری می‌کند (کهندانی و ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۶). در پژوهش دنیس و واندروال (۲۰۱۰) روایی هم‌زمان مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی با سیاهه افسردگی بک در ۵۳۰ دانشجوی آمریکایی برابر ۰/۳۹- و روایی همگرایی آن را با مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی ۰/۷۵ بود. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در نمونه فوق، ۰/۹۰ گزارش شده است (دنیس و واندروال، ۲۰۱۰). در پژوهش کهندانی و ابوالمعالی الحسینی (۱۳۹۶) روایی و پایایی این مقیاس در بین کارکنان وظیفه در پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت. همسانی درونی نمره کل این پرسشنامه و دو عامل آن یعنی پردازش حل مسئله، و ادراک کنترل‌پذیری به ترتیب معادل ۰/۸۹ و ۰/۷۷ و ۰/۸۱ به دست آمده است. نمره کل آزمون پرسشنامه

1. Divorce Tendency Scale
2. Rusbult
3. Distress Tolerance Scale
4. Simons & Gaher
5. Cognitive Flexibility Inventory
6. Dennis & Vander Wal

و دو عامل آن، رابطه معناداری با نمره کلی آزمون افسردگی بک داشت که به ترتیب معادل $-.۰۵۷$ و $-.۰۵۹$ بود. در پژوهش حاضر پایایی به رو همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ $۰/۷۸$ بود.

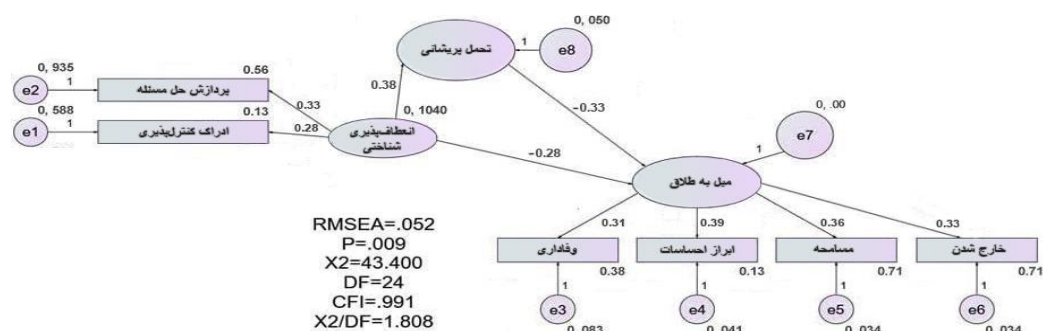
یافته ها

یافته‌های به‌دست‌آمده بر اساس بررسی ویژگی جمعیت‌شناختی سن نشان داد که میانگین سنی در زنان گروه نمونه $۳۸/۴۳$ و با انحراف معیار $۲/۶۹$ در طیف سنی ۲۵ تا ۴۰ سال بود. در خصوص مدت تأهل هم میانگین $۱۱/۷۶$ و انحراف معیار $۲/۴۴$ در طیف سنوات ۱ تا ۲۰ سال بود. ۱۳۱ نفر ($۵۲/۴$ درصد) از نمونه مورد مطالعه دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، ۱۴ نفر ($۵/۶$ درصد) فوق‌دیپلم و ۶۶ نفر ($۲۶/۴$) لیسانس و ۶۳۹ نفر ($۱۵/۱$ درصد) فوق‌لیسانس بودند.

جدول ۱. مشخصه‌های آماری متغیرها و ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیر	۱	۲	۳
۱. میل به طلاق	۱		
۲. انعطاف‌پذیری شناختی	$-.۰۳۷^{**}$	۱	
۳. تحمل پریشانی	$-.۰۴۶^{**}$	$۰/۲۱^*$	۱
میانگین	$۱۰۳/۱۶$	$۶۱/۸۳$	$۸۷/۷۱$
انحراف معیار	$۲۴/۶۹$	$۸/۵۹$	$۱۶/۶۴$
چولگی	$-۱/۰۲۶$	$-۱/۵۳۶$	$۰/۹۲۶$
کشیدگی	$۰/۳۸۴$	$۰/۴۰۹$	$-۱/۱۳۹$

یافته‌های جدول ۱ ضرایب همبستگی متغیرها را با نمره میل به طلاق نشان می‌دهند. انعطاف‌پذیری شناختی $-.۰۳۷$ ($p < .۰۰۱$)، تحمل پریشانی $-.۰۴۶$ ($p < .۰۰۱$)، با میل به طلاق رابطه معنی‌دار دارند. نتایج آزمون کالموگراف-اسمیرنف برای میل به طلاق ($۰/۸۱۶$)، انعطاف‌پذیری شناختی ($۰/۹۲۴$) و تحمل پریشانی ($۱/۰۴$) ($p > .۰۵$) گزارش شد. بنابراین توزیع نرمات متغیرهای پژوهش نرمال است. شاخص کجی و کشیدگی هیچ‌یک از متغیرها خارج از بازه (۲ ، -۲) نیست و بنابراین می‌توان آنها را نرمال یا تقریب نرمال در نظر گرفت. قبل از انجام مدل‌یابی معادلات ساختاری، نرمال بودن متغیر ملاک (میل به طلاق)، استقلال خطاها و هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی قرار گرفت. همچنین در پژوهش حاضر میزان دوربین واتسون برای متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی میل به طلاق ($۱/۵۹$)، حاکی از استقلال خطاها است. از طرفی عامل تورم واریانس در تمامی متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ بود و عدم هم‌خطی تأیید شد. داده‌های گمشده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و قسمت آنالیز (داده‌های گمشده) شناسایی و اصلاح گردیدند. همچنین از نمودار جعبه‌ای برای شناسایی داده‌های پرت برای مقادیر تک‌متغیره و از شاخص مالا‌توبیس برای مقادیر چندمتغیره استفاده شد. به‌منظور آزمون مدل موردنظر یعنی بررسی نقش واسطه‌گری تحمل پریشانی از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل نهایی پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی با میانجی‌گری تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق

پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی با میانجی‌گری تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق
Predicting of desire for divorce based on cognitive flexibility with mediation of distress tolerance in women applicant divorce

در شکل ۱ مدل اصلاح‌شده پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیرمعنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند ($p > 0/001$) اصلاح و حذف شدند. مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم معنادار بین متغیرهای پژوهش با میل به طلاق در جدول ۲ و ۳ ذکر شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآوردشده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	S.E.	C.R.	سطح معناداری
انعطاف‌پذیری شناختی	میل به طلاق	۰/۲۸	۰/۲۴	۳/۵۴	۰/۱۱۲	۳/۷۳۴	۰/۰۰۱
تحمل پریشانی	میل به طلاق	۰/۳۳	۰/۱۷	۵/۷۳	۰/۱۴۲	۴/۳۶۵	۰/۰۰۱
انعطاف‌پذیری شناختی	تحمل پریشانی	۰/۳۸	۰/۲۱	۶/۱۹	۰/۱۷۳	۴/۴۵۳	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهایی مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از $\pm 1/96$ است تأثیر معنی‌داری ($p < 0/001$) بر متغیر ملاک دارند و مسیرهای غیرمعنادار از مدل حذف شدند. با توجه به یافته‌های جدول، ضریب مسیر بین انعطاف‌پذیری شناختی و تحمل پریشانی و با میل به طلاق، مثبت و معنادار است ($p < 0/001$).

جدول ۳. ضرایب مسیر غیرمستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآوردشده

متغیر پیش‌بین	میانجی	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	S.E.	سطح معناداری
انعطاف‌پذیری شناختی	تحمل پریشانی	میل به طلاق	۰/۳۷	۰/۱۱	۵/۷۷	۰/۰۳۸	۰/۰۰۱

به‌منظور بررسی مسیرهای غیرمستقیم از بوت استروپ استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای غیرمستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از $\pm 1/96$ است تأثیر معنی‌داری ($p < 0/001$) بر متغیر ملاک دارند. همچنین یافته‌ها نشان دادند هر دو ضریب غیرمستقیم معنی‌دار است به‌عبارت‌دیگر انعطاف‌پذیری شناختی با تأثیر بر تحمل پریشانی به‌طور غیرمستقیم بر میل به طلاق تأثیر گذاشت ($p < 0/001$).

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل اصلاح‌شده

شاخص	R ²	X ² /d	RMSEA	CFI	NFI	IFI	GFI	P
مقادیر مدل اولیه	۰/۰۴	۲۶۵/۹۴	۰/۸۸	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۶۶	۰/۰۰۱
مقادیر مدل	۰/۴۷	۱/۸۰۸	۰/۰۵۲	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۰۷۹

در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل ارائه شده است. مقدار RMSEA کمتر از $0/08$ است که نشان می‌دهد میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب و پذیرفتنی است. همچنین مقدار کای دو به درجه آزادی ($1/808$) بین یک و سه است و میزان شاخص‌های CFI، GFI، NFI و IFI نیز بزرگ‌تر از $0/9$ برآورد شده و در محدوده پذیرفتنی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، مدل مذکور مبنای تحلیل‌های بعدی قرار گرفت. در نتیجه نتایج جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح‌شده است. با توجه به شکل ۱ و جدول ۲ انعطاف‌پذیری شناختی هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم و از طریق تحمل پریشانی توانست میل به طلاق را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با میانجی‌گری تحمل‌پریشانی در زنان متقاضی طلاق شهر اراک انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد انعطاف‌پذیری شناختی بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر مستقیم داشت. این یافته با نتایج پژوهش خزائی و بابایی (۲۰۲۲)، وطن‌خواه و همکاران (۱۴۰۰)، و تنهایی‌نوگایی و همکاران (۱۴۰۰) همسو و همخوان بود.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت این یافته که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که انعطاف‌پذیری شناختی تأثیر مستقیم و معناداری بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق دارد. این نتیجه بیانگر آن است که هرچه زنان از سطح بالاتری از انعطاف‌پذیری شناختی برخوردار باشند، در مواجهه با تعارضات زناشویی، بحران‌ها و ناکامی‌های ارتباطی، توانایی بیشتری برای بازسازی شناختی موقعیت‌ها، درک دیدگاه‌های متفاوت و یافتن راه‌حل‌های سازگارانه‌تر خواهند داشت (لوقیت و هولنستین^۱، ۲۰۱۶)، و در نتیجه، احتمال گرایش آن‌ها به طلاق کاهش می‌یابد. انعطاف‌پذیری شناختی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تنظیم هیجان و حل مسئله، نقش محافظتی در برابر تصمیم‌گیری‌های هیجانی و شتاب‌زده در روابط زناشویی دارد. در واقع، افراد با انعطاف‌پذیری شناختی بالا قادرند مشکلات رابطه را به‌جای شکست قطعی، به‌صورت فرصت‌هایی برای رشد و تغییر درک کنند و از تفکر دوگانه‌نگر (همه یا هیچ) نسبت به رابطه بهره‌مند (وطن‌خواه و همکاران، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، یافته حاضر از منظر نظری نیز با مدل‌های شناختی-هیجانی همخوانی دارد. نظریه بک (۲۰۱۱) و مدل‌های جدیدتر شناختی-اجتماعی تأکید دارند که انعطاف‌پذیری شناختی به فرد امکان می‌دهد تا از الگوهای تفکر منفی، تصمیم‌افراطی و باورهای ناکارآمد درباره ازدواج فاصله بگیرد و تفسیری واقع‌گرایانه‌تر از رفتار و نیت همسر ارائه دهد. از این منظر، پایین بودن انعطاف‌پذیری شناختی ممکن است باعث شود زنان در مواجهه با مشکلات زناشویی، به‌جای جست‌وجوی راه‌حل یا پذیرش متقابل، تنها گزینه‌ی ممکن را جدایی تلقی کنند (گاندوز^۲، ۲۰۱۳).

یافته‌های پژوهش نشان داد تحمل‌پریشانی بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر مستقیم داشت. این یافته‌ها با نتایج رثوف و همکاران (۲۰۲۳)، ارشدی و همکاران (۱۴۰۰) و محمودپور و همکاران (۱۳۹۹) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت تحمل‌پریشانی پایین موجب می‌شود افراد در برابر استرس‌های هیجانی ناشی از ناکامی‌های ارتباطی، تعارضات، بی‌توجهی یا طرد هیجانی همسر، به‌جای استفاده از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان، واکنش‌های گریز، اجتناب یا تصمیم‌های هیجانی مانند جدایی را انتخاب کنند. (ارشدی و همکاران، ۱۴۰۰). از دیدگاه نظری، یافته‌ی حاضر با مدل تنظیم هیجان گراس (۲۰۱۵) و نظریه رفتارهای خودتخریب‌گرانه لینهان (۲۰۱۴) نیز هم‌راستا است. طبق این دیدگاه‌ها، تحمل‌پریشانی به‌عنوان بخشی از ظرفیت کلی تنظیم هیجان، توانایی فرد برای پذیرش و تحمل حالات هیجانی ناخوشایند بدون واکنش‌های تکانشی است. زنان دارای تحمل‌پریشانی بالا، حتی در شرایط ناکامی و فشار عاطفی، قادرند احساسات خود را شناسایی و مدیریت کنند و در نتیجه، تصمیمات خود را با منطق و ارزیابی واقع‌بینانه‌تری اتخاذ می‌کنند (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۹). برعکس، زنان با تحمل‌پریشانی پایین تمایل دارند از موقعیت‌های ناخوشایند فرار کنند و طلاق را راهی فوری برای رهایی از فشار هیجانی درک نمایند. بنابراین، نتایج این پژوهش بر اهمیت تقویت مهارت تحمل‌پریشانی در برنامه‌های آموزشی و درمانی برای زنان در معرض طلاق تأکید دارد تا بتوانند با تعارضات زناشویی به‌صورت سازگارانه‌تر و با ثبات هیجانی بیشتری مواجه شوند (شاهین‌نیا و راه‌نجات، ۱۴۰۳).

یافته‌های نهایی پژوهش نشان داد انعطاف‌پذیری شناختی با میانجی‌گری تحمل‌پریشانی بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر غیرمستقیم داشت. این یافته‌ها با نتایج رثوف و همکاران (۲۰۲۳)، خزائی و بابایی (۲۰۲۲)، اسماعیل‌نژاد و مزرعه (۱۴۰۴)، وطن‌خواه و همکاران (۱۴۰۰)، تنهایی‌نوگایی و همکاران (۱۴۰۰)، ارشدی و همکاران (۱۴۰۰)، محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، و رضاپورمیرصالح و اسماعیل‌بیگی (۱۳۹۶) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت هرچند انعطاف‌پذیری شناختی به‌طور مستقیم بر تصمیم به طلاق تأثیرگذار است، اثر اصلی آن از طریق ظرفیت زنان در تحمل‌پریشانی اعمال می‌شود. زنان دارای انعطاف‌پذیری شناختی بالاتر قادرند موقعیت‌های استرس‌زا و تعارضات زناشویی را با دیدگاه‌های متفاوت تحلیل کنند و تفاسیر انعطاف‌پذیرتری از رفتارهای همسر ارائه دهند. این توانایی شناختی باعث افزایش تحمل‌پریشانی می‌شود؛ به این معنا که آنان بهتر می‌توانند هیجانات منفی و فشارهای روانی ناشی از

1. Loughheed & Hollenstein
2. Gundoz

تعارضات زناشویی را مدیریت کرده و از واکنش‌های تکانشی یا تصمیمات فوری مانند طلاق اجتناب کنند. بنابراین، تحمل‌پریشانی نقش واسطه‌ای کلیدی در ارتباط بین انعطاف‌پذیری شناختی و میل به طلاق ایفا می‌کند، به گونه‌ای که انعطاف‌پذیری شناختی تنها زمانی می‌تواند اثر محافظتی خود را بر میل به طلاق نشان دهد که با ظرفیت کافی در مدیریت فشارهای هیجانی همراه باشد. این یافته با مدل‌های شناختی-هیجانی و پژوهش‌های پیشین همسو است. مطالعات بک (۲۰۱۱) و لینهان (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که انعطاف‌پذیری شناختی به تنهایی می‌تواند درک فرد از موقعیت‌ها را تعدیل کند، اما اثر واقعی آن در کاهش تصمیمات تکانشی و هیجانی در روابط میان‌فردی، زمانی مشاهده می‌شود که فرد توانایی تحمل‌پریشانی را نیز داشته باشد (گنجیان و همکاران، ۱۴۰۴).

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری شناختی و تحمل‌پریشانی نقش‌های مهم و مکملی در پیش‌بینی میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق دارند؛ به گونه‌ای که انعطاف‌پذیری شناختی علاوه بر تأثیر مستقیم، از طریق افزایش ظرفیت تحمل‌پریشانی اثر غیرمستقیم بر کاهش گرایش به طلاق اعمال می‌کند. این یافته‌ها بر اهمیت تقویت مهارت‌های شناختی و هیجانی در برنامه‌های مداخله‌ای و آموزشی تأکید دارد و نشان می‌دهد که ارتقای توانایی بازسازی شناختی و مدیریت هیجانات منفی می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر برای کاهش تصمیمات تکانشی و افزایش ثبات روابط زناشویی زنان در معرض طلاق مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی به شرح زیر بود: استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس و متمرکز بودن نمونه بر زنان متقاضی طلاق شهر اراک تعمیم نتایج به سایر شهرها را با مشکل مواجه می‌سازد. همچنین استفاده از ابزار خودگزارشی برای گردآوری داده‌ها احتمال سوگیری داده‌ها را افزایش می‌دهد. عواملی مانند وضعیت اقتصادی، حمایت اجتماعی، فرهنگ خانواده و ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌توانند بر رضایت زناشویی و گرایش به طلاق اثرگذار باشند که در این پژوهش به طور مستقیم بررسی نشده‌اند. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده کنند و از روش‌های ارزیابی چندگانه نظیر مصاحبه استفاده گردد تا بتوان نتایج را با اطمینان بیشتری تعمیم داد. همچنین مطالعات آینده می‌توانند به ابعاد مختلف انعطاف روانشناختی و تحمل‌پریشانی به صورت تفصیلی‌تر پرداخته و اثر هر بعد را به صورت جداگانه بر رضایت زناشویی و گرایش به طلاق بررسی کنند. در بخش پیشنهاد کاربردی نیز پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های حل تعارض، مدیریت استرس و انعطاف‌پذیری روانشناختی به زوج‌ها می‌تواند از بروز مشکلات جدی و گرایش به طلاق جلوگیری کند و مراکز مشاوره می‌توانند برنامه‌های آموزشی و درمانی برای افزایش انعطاف روانشناختی و تحمل‌پریشانی در زنان متقاضی طلاق ارائه دهند تا توانایی مدیریت هیجانات و تعارضات زناشویی تقویت شود.

منابع

- احمدی کانی گلزار، و.، کریمی، ک.، مرادی، ا.، و اکبری، م. (۱۴۰۲). الگوی روابط ساختاری سازش یافتگی زنان بعد از رویداد طلاق بر اساس ذهن آگاهی و شفقت به خود با نقش میانجی‌گری تحمل‌پریشانی: یک مطالعه توصیفی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۲۲(۱)، ۳۵-۵۲. <https://journal.rums.ac.ir/article-1-6824-fa.html>
- ارشدی، س.، کریمی، ک.، اکبری، م.، و مرادی، ا. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش سازگاری زناشویی بر عدم تحمل‌پریشانی، دشواری تنظیم هیجان و تعارض زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۸(۵)، ۱۵۱-۱۴۰. <https://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1287-fa.html>
- اسماعیل نژاد، م.، و مزرعه، ا. (۱۴۰۴). نقش میانجی‌گرایی گرایانه نشخوار فکری در تحمل‌پریشانی هیجانی و انعطاف‌پذیری شناختی با اضطراب وجودی در نوجوانان ورزشکار. *روانشناسی رشد هیجانی کودک*، ۱۱(۳)، ۱-۱۱. https://www.journalcedp.com/article_220485.html
- پاداش، ز.، یوسفی، ز.، عابدی، م.، و ترکان، ه. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی مشاوره زناشویی به‌روش گاتمن بر میل به طلاق و دلزدگی زناشویی زنان متأهل متمایل به طلاق. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۰، ۸-۱. <https://jdisabilstud.org/article-1-1615-fa.html>
- تنهایی نوغایی، ف.، ثمری، ع. ا.، و نجات، ح. (۱۴۰۰). پیش‌بینی گرایش به طلاق براساس عوامل اجتماعی-فرهنگی، انعطاف‌پذیری شناختی، تنظیم هیجانی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زوج‌های ایرانی ساکن ایران و مقیم کانادا. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۴(۵)، ۴۲۱۳-۴۲۲۸. https://mjms.mums.ac.ir/article_20098.html
- خوشبخت، ن.، آسایش، م.ح.، رضایور میرصالح، ی.، و جهانبخشی، ز. (۱۴۰۳). تدوین و اعتباریابی زوج‌درمانی خردمدار و مقایسه اثربخشی آن با زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر همدلی شناختی-عاطفی در زوجین با تعارضات زناشویی. *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۱۹(۷۶)، ۴۸-۶۲. https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_18932.html
- داودی، ز.، اعتمادی، ع.، و بهرامی، ف. (۱۳۹۰). رویکرد کوتاه مدت راه‌حل‌محور برای کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق. *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۳)، ۱۳۴-۱۲۱. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-755-fa.html>

- رضایپورمیر صالح، ی. و اسماعیل بیگی، م. (۱۳۹۶). رابطه بین انعطاف‌پذیری و تحمل پریشانی با میانجیگری جهت‌گیری منفی به مشکل نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۳(۳)، ۲۲-۳۱. https://socialworkmag.ir/browse.php?a_code=A-10-380-1&slc_lang=fa&sid=1
- شاهین نیا، ن. و راه نجات، ا. ح. (۱۴۰۳). پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی از طریق تحمل پریشانی با میانجی‌گری استحکام من در زنان متقاضی طلاق. *پرستار و پزشک در رزم*، ۱۲(۴۵)، ۳۰-۳۹. <https://npwj.m.ajaums.ac.ir/article-1-1062-fa.html>
- شمس، ج.، عزیزی، ع. و میرزایی، ا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه تحمل آشفتگی و تنظیم هیجانی با میزان وابستگی دانشجویان به سیگار. *تحقیقات نظام سلامت حکیم*، ۱۱(۱)، ۱۱-۱۸. <http://hakim.tums.ac.ir/article-1-608-fa.html>
- فیروزجانیان گلوگاه، ع. ا.، صادقی، س.، جان محمدی لرگانی، و. و لطفی، طاهره. (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران. *مطالعات زن و خانواده*، ۶(۲)، ۱۱۱-۱۴۳. https://jwfs.alzahra.ac.ir/article_2972_574.html
- قربانی، ع.، خسروی، م. و محمدی، م. (۱۴۰۳). بررسی نقش میانجی متغیر تاب‌آوری خانواده در رابطه سلامت اجتماعی با نگرش به طلاق زوجین. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۱۳(۱)، ۵۰-۲۳. https://ssoss.ui.ac.ir/article_28446.html
- کاکلیان، س.، مشایخ، م.، دوایی، م. و خسروی بابادی، ع. ا. (۱۴۰۲). نقش تعارضات زناشویی و انتظارات زناشویی در پیش‌بینی رضایت از روابط زناشویی. *نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری*، ۱۰(۲)، ۸۹-۹۷. <https://ijrn.ir/article-1-821-fa.html>
- کهندانی، م. و ابوالمعالی الحسینی، خ. (۱۳۹۶). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی دنیس، وندروال و جیلون. *روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۸(۲۹)، ۷۰-۵۳. https://jpmm.marvdasht.iau.ir/article_2556.html
- گنجیان، ا.، مردانی، ز. و ذاکری نصرآبادی، ز. (۱۴۰۴). مدل ساختاری صمیمیت زناشویی بر اساس تحمل پریشانی و تمایز یافتگی: نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۵(۵۸)، ۱۰۱-۱۲۴. https://www.socialpsychology.ir/article_226199.html
- محمودپور، ع.، شیری، ط.، فرحبخش، ک. و ذوالفقاری، ش. (۱۳۹۹). پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۲)، ۱۲۱-۱۴۱. https://qcepc.atu.ac.ir/article_10754.html?lang=fa
- محمودزاده مرقی، ع.، میراسکندری، ف. و فرید، م. (۱۴۰۰). نقش مهارت‌های زندگی، حل تعارض و حل مسئله در پیش‌بینی گرایش به طلاق زنان و مردان متأهل. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۴(۲)، ۲۸۸۵-۲۸۹۵. https://mjms.mums.ac.ir/article_19177.html
- وطن‌خواه، ح.، کوچک‌انتظار، ر. و قنبری‌پناه، ا. (۱۴۰۰). پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس انعطاف‌پذیری شناختی و معنای زندگی با میانجی‌گری تعادل کار-زندگی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۹)، ۱۷۲-۱۶۱. <https://frooyesh.ir/article-1-2861-fa.html>
- Corbo, L., Troisi, G., Marselli, G., & Casagrande, M. (2024). The role of cognitive flexibility on higher level executive functions in mild cognitive impairment and healthy older adults. *BMC psychology*, 12(1), 317. <https://doi.org/10.1186/s40359-024-01807-5>
- Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. (2010). The Cognitive Flexibility Inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive Therapy and Research*, 34(3), 241-253. <https://doi.org/10.1007/s10608-009-9276-4>
- Dong, S., Dong, Q., & Chen, H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict, and marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of affective disorders*, 299, 682-690. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.12.079>
- Garner, R. C., & Kleiman, E. M. (2025). Distress Tolerance as a Moderator of Affective Forecasting Effects. *Affective science*, 6(2), 280-284. <https://doi.org/10.1007/s42761-025-00303-2>
- Gundoz, B. (2013). Emotional intelligence, cognitive flexibility and psychological symptoms in pre-service teachers. *Educational research and reviews*, 8(13), 1048-1056. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1599992>
- Işık, C., & Turhan, C. (2025). The relationship between women's cognitive flexibility and perceived partner responsiveness with sexual satisfaction: A cross-sectional study. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*, 44(7), 6128-6138. <https://doi.org/10.1007/s12144-025-07574-9>
- Khazaei, S. and Bababei, M. (2022). The Role of Cognitive Flexibility and Religious Coping Strategies in Predicting Divorce of Women with Betrayal Experiences. *Journal of Family Relations Studies*, 2(4), 4-12. https://jhrs.uma.ac.ir/article_1407.html
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling* (3rd ed.). The Guilford Press. <https://psycnet.apa.org/record/2010-18801-000>
- Lass, A, N. S., Veilleux, J. C. b., DeShong, H. L., & Winer, E. S. (2023). What is distress tolerance? Presenting a need for conceptual clarification based on qualitative findings. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 29, 23-32. <https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2023.05.003>
- Louheed, J. P., & Hollenstein, T. (2016). Socioemotional flexibility in mother-daughter dyads: Riding the emotional rollercoaster across positive and negative contexts. *Emotion*, 16(5), 620-633. <https://doi.org/10.1037/emo0000155>

- Pellón-Elexpuru, I., Van Dijk, R., Van der Valk, I., Martínez-Pampliega, A., Molleda, A., & Cormenzana, S. (2024). Divorce and physical health: A three-level meta-analysis. *Social science & medicine* (1982), 352, 117005. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2024.117005>
- Rauf, U., Fatima, H., & Mushtaq, M. (2023). Distress tolerance, mental health problems and marital satisfaction among married couples. (2023). *Pakistan Journal of Social Research*, 5(01), 559-567. <https://doi.org/10.52567/pjsr.v5i01.1377>
- Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G. D. (1986). Predicting satisfaction and commitment in adult romantic involvements. *Social Psychology Quarterly*, 39(1), 81-89. <https://doi.org/10.2307/2786859>
- Sandel-Fernandez, D. B., Pearlstein, J. G., Swerdlow, B. A., & Johnson, S. L. (2023). Who disengages from emotion and when? An EMA study of how urgency and distress intolerance relate to daily emotion regulation. *Emotion (Washington, D.C.)*, 23(4), 1102-1114. <https://doi.org/10.1037/emo0001152>
- Sarikol, E., Erdoğan, R., & Salehian, M. H. (2024). The role of religiosity, social support, and cognitive flexibility in the subjective well-being of divorced athlete women. *Revista de Psicología del Deporte*, 33(2), 353-365. <https://psycnet.apa.org/record/2025-30760-034>
- Simons, J. S., & Gaher, R. M. (2005). The Distress Tolerance Scale: Development and validation of a self-report measure. *Motivation and Emotion*, 29, 83-102. <http://dx.doi.org/10.1007/s11031-005-7955-3>
- Zerach, G., & Gordon-Shalev, T. (2023). Distress tolerance, family cohesion and adaptability, and posttraumatic stress symptoms among combat veterans and their parents. *Family Relations: An Interdisciplinary Journal of Applied Family Studies*, 72(5), 2886-2907. <https://doi.org/10.1111/fare.12861>